روزهای آخر نظام تک قطبی

ذره بین

با این حال، جهان در حال تغییر است و به‌طرز ماهرانه و گاهی نه‌چندان ظریف این تغییر دیده می‌شود که قدرت از ایالات متحده آمریکا و متحدان به‌شدت تابعش، به‌دنیای چندقطبی پیچیده‌تر با گروه‌ها و اتحادهای جدید و به‌ویژه، اقتصادی جدید تغییر می‌کند. روسیه از نظر جغرافیایی و از نظر منابع و مهارت‌های فناورانه، عظیم است و از تحریم‌های آمریکا به ستوه آمده است، همان‌طور که ایران به‌دلیل جرئت اینکه می‌خواهد صنعت نفت و هسته‌ای خود را در اختیار ایرانیان قرار دهد و موجودیت مستقلی داشته باشد، به شدت تحریم شده است.

کشورهای مستقلی مانند روسیه و چین از سیاست‌های غرب تبعیت نمی کنند و کشورهای زیادی می خواهند روی پای خودشان بایستند. چین و روسیه برای توسعه روابط دوجانبه و تقویت همکاری مصمم تر هستند. روابط جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه در دهه اخیر از شتاب بسیار بالایی برخوردار بوده است. افزایش دوبرابری تبادلات تجاری دو کشور، امضای توافق نامه‌های مهم در حوزه‌های اقتصادی، انرژی، نظامی، فضا و غیره از جمله شاخص‌های مهم گسترش همکاری‌های چین و روسیه است. همچنین مواضع سیاسی دو کشور در بسیاری از موضوعات مهم سیاسی بین المللی و منطقه‌ای در سال های اخیر هم راستا و یا نزدیک به هم بوده و مسکو و پکن در مخالفت با نظم لیبرال آمریکایی و نظام تک قطبی مواضع یکسانی را اتخاذ کرده‌اند.

رادنی شکسپیر
استاد دانشگاه تریساکتی

سیداحمد موسوی | اقتصاد کلان ایالات متحده در سال‌های اخیر به سرعت رو به وخامت گذاشته است؛ مسئله‌ای که می‌تواند اقتصاد این کشور را با توجه به اتخاذ سیاست‌های مهار تورمی فدرال رزرو و افزایش سیاست‌های پولی بانک مرکزی آمریکا، به سمت رکود گسترده سوق دهد. به باور تحلیلگران، عوامل مختلفی همچون تورم، جنگ در اوکراین و تحریم‌ها علیه روسیه ممکن است خطرات پیش رو را به طور چشم‌گیری برای اقتصاد ایالات متحده افزایش دهد. برای درک بهتر از شرایط کنونی، قدس گفت‌وگویی با پروفسور «رادنی شکسپیر» تحلیلگر و مفسر انگلیسی اقتصاد بین‌الملل ترتیب داده است که در ادامه می‌خوانید. پروفسور «رادنی شکسپیر» تحلیلگر و کارشناس انگلیسی امور سیاسی، اقتصادی است و کتاب‌های بسیاری را در حوزه تئوری‌های اقتصادی و نیز امور ایران، بحرین و سوریه تألیف کرده است. شکسپیر از چهره‌های رسانه‌ای ضد امپریالیسم و ضد صهیونیستی مطرح بین‌المللی بوده که از بنیان‌گذاران جنبش جهانی عدالت، عضو شورای مسیحی عدالت پولی است.

گفت‌وگو با پروفسور «رادنی شکسپیر» تحلیلگر و مفسر انگلیسی اقتصاد بین الملل

کیک کوچک اقتصاد آمریکایی

■ **برخی از کارشناسان ریشه تورم جهانی را در بحران کنونی اوکراین جست‌وجو می‌کنند. تا چه حد بحران اوکراین و تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه بر وضعیت اقتصادی اروپا و آمریکا تأثیرگذار بوده است؟**

درواقع بحران اوکراین سه پیامد مهم داشته است؛ اولین پیامد این تنش، تشدید تورم فزاینده است که البته مسئله اوکراین در ایجاد آن دخیل نبوده است؛ دومین پیامد این است که ما با یک تغییر در نظم جهانی مواجه هستیم؛ تغییری که در حال وقوع است، تغییر دنیای تک قطبی به دنیای چند قطبی است. سومین پیامد بحران اوکراین هم دلارزدایی است؛ امروز دلارزدایی برای تمام کشورهای جهان به یک امکان روشن تبدیل شده است.

■ **اگر اقتصاد کنونی اروپای غربی و آمریکا را با ۲۰ سال گذشته مقایسه کنیم، به نظر می رسد اروپا و ایالات متحده دیگر آن قدرت اقتصادی سابق را ندارند و از نظر اقتصادی دچار ضعف شده‌اند**

خب باید بگویم که خلاف آنچه ادعا می‌شود «بازار آزاد» غرب، در واقع نه تنها آزاد نیست، بلکه متعادل هم نیست و صد البته نتایج آن عادلانه نیست. به ویژه، اکنون فقط پول تازه ایجاد شده را به جای اقتصاد واقعی و گسترش اقتصاد واقعی به هر فرد، در دارایی‌های مالی قرار می‌دهد. به طور اساسی، اقتصادهای غربی در حال ضعیف شدن هستند و چاپ بی‌پایان پول، آن‌ها را از ورطه فروپاشی نجات نخواهد داد. تورم فعلی الگویی شبیه به شرایطی دارد که اقتصاد دهه ۱۹۷۰ را ایجاد کرد و بسیاری از آمریکایی‌ها را بدبخت کرد.

■ **به نظر می‌رسد ایالات متحده در تلاش است نظام تک قطبی گذشته را با کنترل چین به هر شکل ممکن حفظ کند. آیا ایالات متحده می‌تواند در این زمینه موفق باشد؟ این اقدام چه پیامدهایی برای اقتصاد این کشور خواهد داشت؟**

ایالات متحده چین را دشمن واقعی خود می‌داند. در حال حاضر ایالات متحده قصد دارد روسیه را به عنوان راهی برای تضعیف نهایی چین در هم بکوبد. یک تغییر بزرگ در قدرت جهانی در حال وقوع است. به طور نسبی، موقعیت ایالات متحده در حال تضعیف است و به دلیل اینکه میلیون‌ها شغل از دست داده است، آینده آن چندان خوشایند به نظر نمی‌رسد. اما باید بگویم تغییر سرانجام اتفاق خواهد افتاد و این تغییر، مانند ورشکستگی، قبل از اینکه یکباره رخ بدهد، به آرامی شروع می‌شود؛ ایالات متحده به شدت ورشکسته شده است. آمریکا بیش از حد بدهکار است و ذخایر طلای ادعا شده آن احتمالاً واقعی نیستند (به همین دلیل است که هیچ کس اجازه حسابرسی از فورت ناکس را ندارد).

از طرفی رهبری اخلاقی ایالات متحده دیگر وجود خارجی ندارد و در کنار رهبری سیاسی آن که به شدت دچار نوعی حماقت شده، رنگ باخته است؛ مطمئن باشید، این تغییر امری فزاینده و ناگزیر خواهد بود و جهان در حال دور شدن از نظام تک قطبی است و سرانجام در نقطه‌ای دیگر، نظم جدیدی ایجاد خواهد شد. امیدوارم که این شکل جدید که به اشکال مختلف از جمله یک نهاد بین المللی جدید جلوه‌گر می‌شود، مثبت و خلاقانه باشد و نه چیزی تحت سلطه استکبار آمریکا و صرفاً در جهت منافع محدود این کشور عمل کند. در واقع حمایت از یک سیستم مالی فاسد امروز تمام جهان را در بدهی‌های غیرقابل بازپرداخت قرار داده است ، به طوری که نوعی فروپاشی اقتصادی به طور فزاینده‌ای اجتناب ناپذیر است. شواهدی از تمایل آمریکا به تمرکز بر آسیای شرقی وجود دارد.

در واقع، آمریکا با خانواده‌های آنگلوساکسون بریتانیا و استرالیا توافق کرده است تا واقعاً به چینی‌ها نشان دهد که به اصطلاح کُت تن چه کسی است. در اصل این توافق، یک چالش نظامی در حیاط خلوت چین را پیشنهاد می‌کند. چالشی بسیار خطرناک که می‌تواند تهدید خطرناک‌تری از فروپاشی اقتصادی تلقی شود؛ تصور کنید اگر چین یا روسیه همین کار را در خلیج مکزیک انجام دهند چه اتفاقی می‌افتد!

■ **جایگاه کنونی دلار به عنوان ابزاری برای سلطه ایالات متحده در جهان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بسیاری از کشورها از جمله چین و روسیه و ایران تلاش می‌کنند از واحدهای ارزی دیگری برای تبادلات مالی‌شان بهره ببرند.**

قدرت فعلی دلار آمریکا را می‌توانید با تحریم‌های روسیه که عملاً با شکست مواجه شده اند، بسنجید. در عین حال، هر انسان و هر کشور عاقلی می‌داند که کشور آن‌ها نیز می‌تواند تحت تحریم‌های آمریکا قرار گیرند و بنابراین اقدامات بین‌المللی برای ایجاد نظام‌های بین‌المللی جدید و در نتیجه اجتناب از تحریم‌های آمریکا در جریان است.

دنیای تک‌قطبی، دنیایی است که در آن ایالات متحده می‌تواند و می‌کند، از قدرت نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و از قدرت باج‌خواهی و اجباری خود در راستای منافع خود استفاده می‌کند. اگر کشوری دارای قدرت نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک باشد، می‌تواند همه افراد دیگر را تحت فشار قرار دهد، به خصوص اگر حدود ۴۰ درصد از کل تسلیحات را در اختیار داشته باشد؛ علاوه‌بر این، ایالات متحده با کنترل مؤثر نظام بانکی سوئیفت و توانایی در تحریم افراد، شرکت‌ها و کشورها به روش‌های مختلف، در موقعیتی قوی قرار می‌گیرد که می‌تواند یک قلدر قلمداد شود.

آمریکا بزرگ‌ترین منبع دروغ پراکنی

یک سناتور آمریکایی طرح وزارت امنیت داخلی آمریکا برای تشکیل سازمانی جدید برای مقابله با اطلاعات نادرست را به باد انتقاد گرفت و گفت: خود دولت آمریکا بزرگ‌ترین منشا انتشار اطلاعات نادرست و دستکاری شده در جهان است. «رند پاول» افزود: ما نمی‌خواهیم که دولت جو بایدن درباره اظهارات ما اظهار نظر و تصمیم‌گیری کند. آیا فکر می‌کنید آمریکایی‌ها آن قدر احمق هستند که نیاز دارند شما به آن‌ها بگویید حقیقت چیست؟

گفت‌وگوی ویژه

مزایده اجاره کوره آجر

آگهی مناقصه

۳۷۰۸۸
پذیرش آگهی
روزنامه قدس